

# کوهستان

دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۲۸  
۱۷ رجب ۱۳۶۵  
۱۷ ذی قعد ۱۳۶۶

روزنامه بیپنج‌دسته سرخ‌پوشی بستگی ندارد

## بهنامیت حل موضوع آذربایجان

### دولت موافقت دارد که اگر ادعای آذربایجان از مزایای این موافقت نامه برخوردار بوده و طبق ماده ۱۳ بلاغیه دولت تا کلاس پنجم ابتدائی زبان خودشان تدریس نمایند»

طی رجم آرزو و توصیه شوهرکاران مسئله آذربایجان در نتیجه مساعی قابل تقدیر و حسن تدبیر و کاردانی جناب آقای قوام‌المسلمه، از راه دولت آذربایجان و از طریق کار مریدان و جوانان محبت و یگانگی اراد خیز آذربایجانی و گردشگری شمالی بوده، علاوه بر قابل انکار آلمان و پاران تانین پایه‌های ملزمه و زمزمه‌های خود گروهی که نهضت آذربایجان و گردشگری از اقدامات ما بر جهان و بر ایران آن و کسانورا که هرگز در مسکنه نموده و سخنرانی تانین گذشته‌نیم کرده بود، دست‌انچاسمیرده یعنی سرمد و آرزوی آلمان که ایجاد سه توافق و تفرقه و فراهم نمودن برادر کشتی‌های غلغله بود مضمین است.

ملت ایران این حسن تدبیر و بهرامت وطن پرستی نسبت وزیر با کلمات خود را، اموش کرده ناشی را با احترام و تکریم و اقدامات آزادی‌خواهان او را در مصلحت و منافع ملت و یک کشور ایران ثبت تاریخ برانتظار اینت کشتی کهن‌سال خواهد نمود.

فرزاد متعقبن بن دولت و بنام آذربایجان که باضاضی آتایان مظهر فیروز ویش و وزیر سید، توصیب باقیان آران از طرف جناب علی آذربایجان و اسامعی آقای بی‌سودی از ریاست کمیته ملی آذربایجان ثبت نموده که مردم این باات جز خلقی مسلم که لازمه زندگی در دنیای امروز است و جز بیست و هفت استیواهی که در سیه آن نتوانند و سایر تفرقی در راه مردم آن سامان را تانین کینه‌خوسته‌ای نداشته است.

اتنون دیگر ثابت شده که صحت تیریه و جدائی که بگانه صریح معالمان برای سله باین نهضت‌های آذربایجان بود جز وسیله‌ای برای غنه کردن فریاد مردم آذربایجان و گردشگری شمالی بوده و اقدامات آن که بهیچ‌صورت مردمانی را که برای امتداد و وسایلی تفرقی ایران مبارزه و نالاداری می‌نمایند مردم شکسته جز بر اساس پریشان نگذاشتن ایران از هر چیزی دیگر استوار نبوده است.

اتکنون دیگر مردم آذربایجان با

## پرده ای از جنابات صفح

### دست ناپاکان و عناصر گمشد

#### باید قطع گردد

چندی قبل اطلاع حاصل نمودیم که تنکر مهنی ششویق و ده‌ها عناصر حائس مشهوری که در این امر و چنه فراوانشاهای طرف از امضای آن خود داری نموده اند.

ما از انتشار این خبر تا رسول تکتراف های مورد بحث خودداری کردیم حال که تکتراف ها و اصل شده غلامه آرا یا ذکر نام آنها کشته‌نشدن و چنه موضوع دیگر یک با نظر خواهان نمیگذرانیم تا خود یک با نظر تانین.

عناصری در سز موجودند که به شرفست نموده و ناممندان در دوا این می دانند که همیشه در آجا هر ج و هر می حکمفرما باشد تاچتر شونده از بازار آخته استامده نایند زیر کلاهی آلمان که جز زور و پورا و شکت و افترا نیست دیگر نیست درازاری غیر از بازار هر ج و مرج خبر اورد ندارد.

برای این عناصر بی خاشاک کردن اشخاص، نابودی مردم، اما کردن بی گناهان هلی پیش با انازه و عادی است متنب بودن کسانی که قدری احساسات دارند بهرکت آزادخواهان و موهبتین اقدامات آزادخواهان و بهمانیت هسان زبان آور و بر علیه دولت بگانه عساکر و قاطع ترین اسامه آن میباشند اینان بوضع محیط کمال آشتا و مهادنه در مقابل چنین اظهاراتی دیگر راد قرار برای شتم نیست و جز تسلیم در مقابل اواست آن چلاری ندارد یعنی از امت حائسرت کزب

عبدالقادر صابری و ماور ستاد است که تا چندی قبل از خوش رفتن ترین باذو های سرلشکر اومع و معیض بود شایسته قسمتی هم از گرفتاری های نملی سرلشکر اومع میبودند معالمان باذو ها ساری باشد که بی حیثی اواست در فرهنگ نگه‌دار نموده ویا گزارش های بی اصل و اساس خود احساسات مردم را بر علیه رئیس ستاد پیشین برانگیخته است.

این شخص هنوز دوسر نام ماور استیوارات ستاد ارتش مشول چاپیتست مردم و پرورد ساری به منظور چاپیدن است.

اجاری که بدست می‌آورد بدین طریق است که چندتر جلاور از اجیر کرده دویبان غیر متفرق ساخته هر وقت بیچاره ای از اطراف به شهر می‌آید مراضی بریزد واز او چیزی دام متن او گرفتار شده.

فرار چنه در دیگر ما به علی‌رضا خا عبدالله درخان رسول ولی آنا و غیره هم شاید از همین جنس بود یا سر چشه گرفته باشد.

مشکلتراز اینها موضوع باذو است بیکر یزه زن است در سز موموم به خان لار « این یزه از بیچاره دشتری وجهه دارد عبدالقادر ماریور دام متن او گرفتار شده.

بچه دروغه ۷

ماد ۱۳ - دولت موافقت دارد که اگر ادعای آذربایجان از مزایای این موافقت نامه برخوردار بوده و طبق ماده ۱۳ بلاغیه دولت تا کلاس پنجم ابتدائی به زبان خودشان تدریس نمایند»

بوجه این ماده اگر ادعای آذربایجان بوجه ماد ۱۳ قرار داد ثبت و چنین مقرر گردید:

ماد ۱۳ - دولت موافقت دارد که اگر ادعای آذربایجان از مزایای این موافقت نامه برخوردار بوده و طبق ماده ۱۳ بلاغیه دولت تا کلاس پنجم ابتدائی به زبان خودشان تدریس نمایند»

بوجه این ماده اگر ادعای آذربایجان بوجه ماد ۱۳ قرار داد ثبت و چنین مقرر گردید:

ماد ۱۳ - دولت موافقت دارد که اگر ادعای آذربایجان از مزایای این موافقت نامه برخوردار بوده و طبق ماده ۱۳ بلاغیه دولت تا کلاس پنجم ابتدائی به زبان خودشان تدریس نمایند»



حضرت اشرف جناب آقای فرام -

نوفته - جلال مجازی از سفر

۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۲۰

### باید از اول بشوید دست از حق حیات در محیط مردگان و کسب اقامت می کنید

مسائرت سپهباد گرفته باشم چیست ؟؟؟

آشرا سلام نتیجه گرفتند و پس از چندین روز آمد و رفت بنیاد ، به تدریج که به حضور سرک منتاری فرماده بدانکن حکومت نظامی ساز بار یافتن ایشان با مصیبت گشته که چرا ما مسوور نفس آفت یکی ما و چرا به ما بیاد رفتند ؟ الان دستور بدهیم شماره ایشومت دولتی منتقل نمائیم

بالاخره از اینجه نتاب و غطاب باوساطت و شفقت صحنه تا حایس راهای یافتن و برای اینکه بار دیگرکاش شخص سرک منتاری نتاب و نندست نشنوم برطانی نامعشار ۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰

بازداره بشماره ساز اطلاع دادم که درکعاش برتن به عمل ماوریت خود نشینت و در وقت مراتب نیز بنام حکومت نظامی ارسال شده بود.

شاید تصور خود کرده ز فغان و شکست سپهن خانخانه یافت ولی ...

تا ملاقات بنیتوردر انتظار من بیژره بود روزی تا بدامت منول یک روز چکه ای روح شکسته هست در منزل پس از وقت دعا رفتن یکدیگی ایستاده

و اغلب آنها کرامتجان دوازه معتادانه دولتی بودند ... روز جمعه روزمانزل از تبریک کرامت نوشی بیابانرسیده بود

چنان روزی گذشت و یک شب که در میان جبال و اطراف خود نشسته بودم

مقارن ساعت ۴ از شب گذشته درپ خانه ام با شدت کوفیه دیده پرسیدم

دوستان صبح ۱۵ در دوازده در حایط منزل جمع شده و رئیس دژبان اصدا با کسی ملاقات کش تا شام را

دفتر حکومت نظامی احضار کرده اند خواننده ارچند ساعت خود حدس زیدید که نتیجه این همه سلج در حیاطخانه تا چه حد باعث اطراب و گریه جبال و اطراف خود سالم گردید .

ملاحظه شد مگر حکومت نظامی رفتن و با نهایت تشنج بدوم تمام اخصاصیک بودیم روزجمعه بدوم جمع بودیم صبح شده و بدوید معلوم شد که آنها بیچاره جوی شده و بدوید معلوم شد که نوبت به بنده رسید توسط ستوان یکم صبرینجان بود

شدم و من بیایستیم به بازدری تشنج کشدم که روز جمعه بدوید تشنج جمع کرده بودیم با اسرار بیان میکرد که شد نام گرفتند هشیه و پنج مهابادها کامی شدند ... این پنج مهابادها هوش و حساسیت شنیده و پس از ۴ ساعت با زورهای بیادیه همادار مرغی میگردند از آموختن تا کشون بنیتور سرهنگ منتاری و ملین گرشایبی مرزبان و عبدالعزیز ماریبی چنین بار مرزمت و در سر برای مردم بیچاره درست کردند که بیست برادرم مقربتر برمد و عقارتی کند آقای منتاری بنیتور منتاری

ساز به جز نور نادری و بدون مدرك شدم ... نیزبری از اهالی و در زلساند شهر با مردم وزبانی مهابادگرداشت که

و گناه این بیوفایی و مدرك شریانت آمان به بود ... تا بگزارش بکنتر منرش ماچراجو ( ماری ) همه بیگناهی را در وزبانی مجبوس معنی لغزانی می گنند . آخر الامر هم در وقت ۵۸ می ساختگی باورداشت شکل ۵۸ و نور و برت دهنده خادم ششانه بقدر ... آنا ... زامه ازان و مرزداران کشور با دشمنانی بیوز یک فرد عادی و بی سواد که به سروری کلان سازی و وزارت و با یوتن دارائی نشی سرشاری انوعته از فرد مغرض که در زمان فرماهی سرلشکر جانش مامور عارف و با این اکتاف جانش و سرشوی سرخویره بودار نشی که تبری پشت مهاباد و تلخ خود را از شاگرد قیاطی و افلاس به پشت میز و زواری و سامیده از مرز دوری که خنیت مازودن منمن از دوری نیز دست دراز و اذاعت اطراف ترنمن به و محایات صلح میکند اعلامه از فردی مانند ماری که ذره از خصوصیات او در مغرض ... بالا ... گرواوش کردم حرف گوش نکند ؛ گرواوش و وزارت مایش را با دقت بویاید تا خوبی افراس و پیلدی از خال مغور گزارش بیان شود ... مدت چند ماه ( ماری ) سایه اش را بر سر ما مردم کردولی اگر لایس از سر بر برای اخویش زوجه هم در مین ماه ۱۳۲۱ سپنبر گشت مینظرش به بنیتور که شده روزی شامه بن اظهار کرد که چون خدا آیتدارانتازر و زبانه گوهستان اظهار خوشفوتی کرده ای و در شماره ۱۶ اسم ششانه ج بود مرتبا دفتت تأیید فرار کرده ای و دچار اشکال بزرگی خواهی شد ... بر حشش رفتی نتواند و اشتراک با نامه زبندت داسر غلام مصالح کشور بدوید نامشتم بود و کشت که بحرف من گوش نکردی این بار کرامت ساخته است ز تا بدستور من و سرک منتاری تاگراگان آقای منتاری تشنج شامه ( آنا ) از بیادرت تشنج شد ولی بار جواد گری آن از بیادرت تشنج شد که ما باید بوجهی خود بن و وسیله یکی از آقایان محیط ... از بنین خود که در حزب بنیتور ملی کشور بخود نظر ارتشی هائیریه شوبه و ۳۳۳ م حق السکونت بدیده درایمخ او را بعد از آن سکونت حزب سر بنیتور ملی سوگند زدیم که دست از سر من گرفتارند و نیز با حزب مامان یک کارنامه جزه اجازه دادن سکونت را نشیده بر تبهات خود افتورند و لقب کرد چاره نهند از بنیتور دست نگذارند بود و خود را میان خانواده خود مطرح کرده و ما در بی غیر و اطفال را از زندم خود مبالغه ساختن و گراگان کرده کنان دامن را گرفته و گندگرا کشا زدیم ما از سرکشتن تلف خواهیم شد دندان بچسبک نماند و دندان دژبان را بر عذاب کرستیکی جبال و اطراف تراج داده و تن را بغما دزد و خود درباری

شماره ها چه روزی نبل از بارداشتی دور میاید بگروزی آقای کرشی رئیس صدور فرهنگ ساز بارداره آمان آمد بدو رسیدی مربوطه بنیتور از خدمت اوستا میی که مریخی با کمال ذقت بودارکنه میگرد اظهار نمود که شما ( مجازی ) هفت مرتبه عشق کردم ملی بند گشت . همان آفت تصور میگردم مجازی بکنتر است که هر انگشتش با اندازه اوله داشت ( که در اطاق رئیس اداره بود ) گفت است و سبحانه که ل و ل و حیانه یک شتر من بلند خالا بر خلاف این مشاهده میکنم عشق فرمای موضوع تشنج کلام حج مایل بود لغزشا و با شتمسک مدوام بود در حیاوات نرد سرهنگ معناری بود در اطار من من حیاواتی بود معددا در صدم با پشت ساز و نیزهنگوی تازه ای خود ( کسب اقامت نگارم ) آقای رئیس فرهنگ یکی از رئیسی معناری سرک منتاری سی و مفصوص سرک منتاری سی ( یا نه ) پس از رفتن ایشان اضطرابی نگرای میگردم برای روز آفرده که نمایان میگردد به نیزهنگ : که ایست در غفا کار میگردن بن بغما دادم . منصف بودم

روز یکشنبه ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۳۲۵ در حایم بودم باز هم غافل از آن گفتم که مینظران مشغول بوده که نامه سرور که یک دوزان صاحب بکنتر با بیان در میان اندامهای لغت و سر برودم حایم در تمام اعلام کرد و با حدیاتی اینجاب را با اسم داد کردند . باصفه ای پوشیده به مینت دژبان و با بیان بنزل خود راهناتی شدم که بدین ۱۱ ... نامر کوجهای متصل خانه شدم بنده توسط با بیان و نظامی سلجنت بنده شدی خود

و هیود و مرور از محور بنیتور به بر ادبی مجاز نبود آهنگها که بیشتر کارها واردند که دانده که این اعزاء صفت گیری و بست بدین مصاحبه ایست براری کارش منزل یک با چند نفر گرفته و کاسب جوده بازاری تا چه اعزاز و روحیه مردم موز بود تا چه حد صاحب گنگو و تفسیر های مختلف خواننده در حیاط منزل بنده آقایان سروران خسروی درمستان اویش و ستوان شوبه شریسی دژبان و اویش و اسکار رئیس شریسی ایستاده بودند در اطمانی سکونیم بازمه شیون فرهاد اضطراب زدنیم اظهار شد که مدیر مشرتی بر بار کرده بود . سرک منتاری فرماده بار کادو حکومت نظامی سفر موظفین منزل شکارا با زلسی و کارش نامید .

ایشن که از هه این تعلیق و نجسبات و از همه این با زلسی و اویش ها تشنج بنفج مین گرده بنده ساعت تمام بین روز ۳۶۰۰ که بکنتر فرغی بود که در وقت ۴ از من در کشت خود بنفج کتور عرض اشک و اشراعیان ترویج تراوش بدیده منزل یک کارنامه یقی درصحنه ۶

شکست سپهن خانخانه یافت ولی ... تا ملاقات بنیتوردر انتظار من بیژره بود روزی تا بدامت منول یک روز چکه ای روح شکسته هست در منزل پس از وقت دعا رفتن یکدیگی ایستاده

و اغلب آنها کرامتجان دوازه معتادانه دولتی بودند ... روز جمعه روزمانزل از تبریک کرامت نوشی بیابانرسیده بود

چنان روزی گذشت و یک شب که در میان جبال و اطراف خود نشسته بودم

مقارن ساعت ۴ از شب گذشته درپ خانه ام با شدت کوفیه دیده پرسیدم

دوستان صبح ۱۵ در دوازده در حایط منزل جمع شده و رئیس دژبان اصدا با کسی ملاقات کش تا شام را

دفتر حکومت نظامی احضار کرده اند خواننده ارچند ساعت خود حدس زیدید که نتیجه این همه سلج در حیاطخانه تا چه حد باعث اطراب و گریه جبال و اطراف خود سالم گردید .

ملاحظه شد مگر حکومت نظامی رفتن و با نهایت تشنج بدوم تمام اخصاصیک بودیم روزجمعه بدوم جمع بودیم صبح شده و بدوید معلوم شد که آنها بیچاره جوی شده و بدوید معلوم شد که نوبت به بنده رسید توسط ستوان یکم صبرینجان بود

شدم و من بیایستیم به بازدری تشنج کشدم که روز جمعه بدوید تشنج جمع کرده بودیم با اسرار بیان میکرد که شد نام گرفتند هشیه و پنج مهابادها کامی شدند ... این پنج مهابادها هوش و حساسیت شنیده و پس از ۴ ساعت با زورهای بیادیه همادار مرغی میگردند از آموختن تا کشون بنیتور سرهنگ منتاری و ملین گرشایبی مرزبان و عبدالعزیز ماریبی چنین بار مرزمت و در سر برای مردم بیچاره درست کردند که بیست برادرم مقربتر برمد و عقارتی کند آقای منتاری بنیتور منتاری

ساز به جز نور نادری و بدون مدرك شدم ... نیزبری از اهالی و در زلساند شهر با مردم وزبانی مهابادگرداشت که

و گناه این بیوفایی و مدرك شریانت آمان به بود ... تا بگزارش بکنتر منرش ماچراجو ( ماری ) همه بیگناهی را در وزبانی مجبوس معنی لغزانی می گنند . آخر الامر هم در وقت ۵۸ می ساختگی باورداشت شکل ۵۸ و نور و برت دهنده خادم ششانه بقدر ... آنا ... زامه ازان و مرزداران کشور با دشمنانی بیوز یک فرد عادی و بی سواد که به سروری کلان سازی و وزارت و با یوتن دارائی نشی سرشاری انوعته از فرد مغرض که در زمان فرماهی سرلشکر جانش مامور عارف و با این اکتاف جانش و سرشوی سرخویره بودار نشی که تبری پشت مهاباد و تلخ خود را از شاگرد قیاطی و افلاس به پشت میز و زواری و سامیده از مرز دوری که خنیت مازودن منمن از دوری نیز دست دراز و اذاعت اطراف ترنمن به و محایات صلح میکند اعلامه از فردی مانند ماری که ذره از خصوصیات او در مغرض ... بالا ... گرواوش کردم حرف گوش نکند ؛ گرواوش و وزارت مایش را با دقت بویاید تا خوبی افراس و پیلدی از خال مغور گزارش بیان شود ... مدت چند ماه ( ماری ) سایه اش را بر سر ما مردم کردولی اگر لایس از سر بر برای اخویش زوجه هم در مین ماه ۱۳۲۱ سپنبر گشت مینظرش به بنیتور که شده روزی شامه بن اظهار کرد که چون خدا آیتدارانتازر و زبانه گوهستان اظهار خوشفوتی کرده ای و در شماره ۱۶ اسم ششانه ج بود مرتبا دفتت تأیید فرار کرده ای و دچار اشکال بزرگی خواهی شد ... بر حشش رفتی نتواند و اشتراک با نامه زبندت داسر غلام مصالح کشور بدوید نامشتم بود و کشت که بحرف من گوش نکردی این بار کرامت ساخته است ز تا بدستور من و سرک منتاری تاگراگان آقای منتاری تشنج شامه ( آنا ) از بیادرت تشنج شد ولی بار جواد گری آن از بیادرت تشنج شد که ما باید بوجهی خود بن و وسیله یکی از آقایان محیط ... از بنین خود که در حزب بنیتور ملی کشور بخود نظر ارتشی هائیریه شوبه و ۳۳۳ م حق السکونت بدیده درایمخ او را بعد از آن سکونت حزب سر بنیتور ملی سوگند زدیم که دست از سر من گرفتارند و نیز با حزب مامان یک کارنامه جزه اجازه دادن سکونت را نشیده بر تبهات خود افتورند و لقب کرد چاره نهند از بنیتور دست نگذارند بود و خود را میان خانواده خود مطرح کرده و ما در بی غیر و اطفال را از زندم خود مبالغه ساختن و گراگان کرده کنان دامن را گرفته و گندگرا کشا زدیم ما از سرکشتن تلف خواهیم شد دندان بچسبک نماند و دندان دژبان را بر عذاب کرستیکی جبال و اطراف تراج داده و تن را بغما دزد و خود درباری

شکست سپهن خانخانه یافت ولی ... تا ملاقات بنیتوردر انتظار من بیژره بود روزی تا بدامت منول یک روز چکه ای روح شکسته هست در منزل پس از وقت دعا رفتن یکدیگی ایستاده

و اغلب آنها کرامتجان دوازه معتادانه دولتی بودند ... روز جمعه روزمانزل از تبریک کرامت نوشی بیابانرسیده بود

چنان روزی گذشت و یک شب که در میان جبال و اطراف خود نشسته بودم

مقارن ساعت ۴ از شب گذشته درپ خانه ام با شدت کوفیه دیده پرسیدم

دوستان صبح ۱۵ در دوازده در حایط منزل جمع شده و رئیس دژبان اصدا با کسی ملاقات کش تا شام را

دفتر حکومت نظامی احضار کرده اند خواننده ارچند ساعت خود حدس زیدید که نتیجه این همه سلج در حیاطخانه تا چه حد باعث اطراب و گریه جبال و اطراف خود سالم گردید .

ملاحظه شد مگر حکومت نظامی رفتن و با نهایت تشنج بدوم تمام اخصاصیک بودیم روزجمعه بدوم جمع بودیم صبح شده و بدوید معلوم شد که آنها بیچاره جوی شده و بدوید معلوم شد که نوبت به بنده رسید توسط ستوان یکم صبرینجان بود

شدم و من بیایستیم به بازدری تشنج کشدم که روز جمعه بدوید تشنج جمع کرده بودیم با اسرار بیان میکرد که شد نام گرفتند هشیه و پنج مهابادها کامی شدند ... این پنج مهابادها هوش و حساسیت شنیده و پس از ۴ ساعت با زورهای بیادیه همادار مرغی میگردند از آموختن تا کشون بنیتور سرهنگ منتاری و ملین گرشایبی مرزبان و عبدالعزیز ماریبی چنین بار مرزمت و در سر برای مردم بیچاره درست کردند که بیست برادرم مقربتر برمد و عقارتی کند آقای منتاری بنیتور منتاری

ساز به جز نور نادری و بدون مدرك شدم ... نیزبری از اهالی و در زلساند شهر با مردم وزبانی مهابادگرداشت که

و گناه این بیوفایی و مدرك شریانت آمان به بود ... تا بگزارش بکنتر منرش ماچراجو ( ماری ) همه بیگناهی را در وزبانی مجبوس معنی لغزانی می گنند . آخر الامر هم در وقت ۵۸ می ساختگی باورداشت شکل ۵۸ و نور و برت دهنده خادم ششانه بقدر ... آنا ... زامه ازان و مرزداران کشور با دشمنانی بیوز یک فرد عادی و بی سواد که به سروری کلان سازی و وزارت و با یوتن دارائی نشی سرشاری انوعته از فرد مغرض که در زمان فرماهی سرلشکر جانش مامور عارف و با این اکتاف جانش و سرشوی سرخویره بودار نشی که تبری پشت مهاباد و تلخ خود را از شاگرد قیاطی و افلاس به پشت میز و زواری و سامیده از مرز دوری که خنیت مازودن منمن از دوری نیز دست دراز و اذاعت اطراف ترنمن به و محایات صلح میکند اعلامه از فردی مانند ماری که ذره از خصوصیات او در مغرض ... بالا ... گرواوش کردم حرف گوش نکند ؛ گرواوش و وزارت مایش را با دقت بویاید تا خوبی افراس و پیلدی از خال مغور گزارش بیان شود ... مدت چند ماه ( ماری ) سایه اش را بر سر ما مردم کردولی اگر لایس از سر بر برای اخویش زوجه هم در مین ماه ۱۳۲۱ سپنبر گشت مینظرش به بنیتور که شده روزی شامه بن اظهار کرد که چون خدا آیتدارانتازر و زبانه گوهستان اظهار خوشفوتی کرده ای و در شماره ۱۶ اسم ششانه ج بود مرتبا دفتت تأیید فرار کرده ای و دچار اشکال بزرگی خواهی شد ... بر حشش رفتی نتواند و اشتراک با نامه زبندت داسر غلام مصالح کشور بدوید نامشتم بود و کشت که بحرف من گوش نکردی این بار کرامت ساخته است ز تا بدستور من و سرک منتاری تاگراگان آقای منتاری تشنج شامه ( آنا ) از بیادرت تشنج شد ولی بار جواد گری آن از بیادرت تشنج شد که ما باید بوجهی خود بن و وسیله یکی از آقایان محیط ... از بنین خود که در حزب بنیتور ملی کشور بخود نظر ارتشی هائیریه شوبه و ۳۳۳ م حق السکونت بدیده درایمخ او را بعد از آن سکونت حزب سر بنیتور ملی سوگند زدیم که دست از سر من گرفتارند و نیز با حزب مامان یک کارنامه جزه اجازه دادن سکونت را نشیده بر تبهات خود افتورند و لقب کرد چاره نهند از بنیتور دست نگذارند بود و خود را میان خانواده خود مطرح کرده و ما در بی غیر و اطفال را از زندم خود مبالغه ساختن و گراگان کرده کنان دامن را گرفته و گندگرا کشا زدیم ما از سرکشتن تلف خواهیم شد دندان بچسبک نماند و دندان دژبان را بر عذاب کرستیکی جبال و اطراف تراج داده و تن را بغما دزد و خود درباری

شکست سپهن خانخانه یافت ولی ... تا ملاقات بنیتوردر انتظار من بیژره بود روزی تا بدامت منول یک روز چکه ای روح شکسته هست در منزل پس از وقت دعا رفتن یکدیگی ایستاده

و اغلب آنها کرامتجان دوازه معتادانه دولتی بودند ... روز جمعه روزمانزل از تبریک کرامت نوشی بیابانرسیده بود

چنان روزی گذشت و یک شب که در میان جبال و اطراف خود نشسته بودم

مقارن ساعت ۴ از شب گذشته درپ خانه ام با شدت کوفیه دیده پرسیدم

دوستان صبح ۱۵ در دوازده در حایط منزل جمع شده و رئیس دژبان اصدا با کسی ملاقات کش تا شام را

دفتر حکومت نظامی احضار کرده اند خواننده ارچند ساعت خود حدس زیدید که نتیجه این همه سلج در حیاطخانه تا چه حد باعث اطراب و گریه جبال و اطراف خود سالم گردید .

ملاحظه شد مگر حکومت نظامی رفتن و با نهایت تشنج بدوم تمام اخصاصیک بودیم روزجمعه بدوم جمع بودیم صبح شده و بدوید معلوم شد که آنها بیچاره جوی شده و بدوید معلوم شد که نوبت به بنده رسید توسط ستوان یکم صبرینجان بود

شدم و من بیایستیم به بازدری تشنج کشدم که روز جمعه بدوید تشنج جمع کرده بودیم با اسرار بیان میکرد که شد نام گرفتند هشیه و پنج مهابادها کامی شدند ... این پنج مهابادها هوش و حساسیت شنیده و پس از ۴ ساعت با زورهای بیادیه همادار مرغی میگردند از آموختن تا کشون بنیتور سرهنگ منتاری و ملین گرشایبی مرزبان و عبدالعزیز ماریبی چنین بار مرزمت و در سر برای مردم بیچاره درست کردند که بیست برادرم مقربتر برمد و عقارتی کند آقای منتاری بنیتور منتاری

ساز به جز نور نادری و بدون مدرك شدم ... نیزبری از اهالی و در زلساند شهر با مردم وزبانی مهابادگرداشت که



### کرد و کردستان سنه اردلان

— ۵۹ —

چون در شماره گذشته در قسمت تاریخ کردو کردستان اشتباهات چندی روی داده بود اینک برای اینکه تصحیح‌شده باشد جهت نخست آخر ضلعی را که در شماره گذشته چاپ شده بود با تصحیح آن مجدداً از نظر خوانندگان محترم میگردانیم .

در تاریخ (۱۲۸۰) هجری ملا فتح‌الله قاضی و ملا محمد امین الاسلام و ملا محمد آقا شیخ الاسلام و ملا محمد صالح غفرالله و جسی دیگر از امره و اعیان کردستان از حکومت والی و وزارت میرزا محمد رضا ناراضی شده به حرم تنگی رهسپار تهران می‌شوند . از طرف دولت برای وفای اهالی مالیت دعوت در دیوان دولتی تعدیل می‌شود و پاس هر یکده نفران مخصوص صادر میگردد . میرزا زکی مستوفی دیوان هم حسب‌الامر مهاجرتی بستم پیشکوی ملا محمد علی خان و سعید کی بوش تعدیل مالیات روان کردستان میگردد .

در سال (۱۲۸۱) هجری پارتیگر که نصرت‌کام اهل شهر سلطانین اورامان و برین قشبان بر فراشته شروع بنات و نازل می‌شاید . میرزا زکی تامل نماید . در تبصره واد پنداری مرفوش میبارد . از طرف دولت ملا محمد علی والی با : اوج و ظفر کردستان و چهارده فراده توپ و سه هزار تنگنجی سرب مسلح مأمور قلع و مع امراض آسمان می‌شود و والی با سمیت خود از راه جوار رود و هسپار لپون میگردد . بقره (باوه) که میرسه علی کربان بشار الملک با پاساها ابراهیمی خود دایره‌انه کنش میروان می‌نماید . در (هجری) با پیش فراوان اورامی سر خورده بود از مقصد رده خورده اورا می‌نهابت مقاومت فرموده فرام می‌کنند . شرف الملک با فراتت خاطر از رود میروان میگردد و غیر گذشتن غوشی والی رود یوالی می‌دهد . والی هم بدون ملزم می‌شود . در یوماه بشرف الملک درک با رود میروان می‌نمیشود بدون مسئولی نمودن او خورده بود با رعایا اورامی و هسپار شهر زود می‌شوند و پاتند به خیشالی ابراهیمی میگردد . مدت سه ماه برین قش و غوغیه دورالای لستور باهتار در آمدن سینه سینه می‌دهد سلطان در میت پیش عیدار . رحمن پس شیخ شان که پیش سلسله نشسته بود به پاسد باثنا ایوبی شتابت جانی پاتند با مسایل والی می‌شود بناتش جانی . در الحسن و محمد پاشا و دادن سه هزار تومان جرم محمد سیدسلطان مردوخ و بطلان شیخه کسبا نراسان حاکم اورامان لپون می‌شود و والی با اردو بهر سه هزار مرچاست می‌کنند و مراتب را در پیش دیوار میروان دورتیجه مردوخ افغان ملوانده به لقب (شاه‌الملک) مقنن و سرفراز میگردد .

### خطاب (زاری) به (وطن)

ای وطن! در و بهاره سیری کویسات اکم  
سیری سوزی میرگو بالسانو بی سات اکم  
سیری دشتی بر گل و سرپنو ریجاست اکم  
سیری شیوی لادو کالی شاردوی کانت اکم  
هینده خوشی ای وطن واخوبه قوربانت اکم  
شاگر غزلت ای وطن وکسر مه بوچاری مه  
ایوبی تولم دو کسره تا سردرم دادی مه  
بانی ما عشقی سالی تو هم آوی مه  
هراوه مایبی حیسانی روحسی فتاوری مه

تا بپیم هر تینا یواب هانت اکم  
خوابکا بی پرده وازو شیرمه کانت تینه در  
باغی آواستی منتو هر دو بیکوینه بسر  
تود گل‌شیر کوله‌کاسه سه گرویدن شطرنج  
منه گل آرامی دلدای بیکوسه و تا سحر

واله جاوی دی حواله حفظ بردانت اکم  
ای وطن تو مثل شیرینی امت فرمادت تویم  
عاجز و دل پسرین آواره و ناشاد تویم  
من نه برود به خیشی سنگی امتداد تویم  
با حشر و غمختست تاغم که من اولاد تویم

خده‌تسکی واکه گیانی خو فدای گیانت اکم  
ای وطن بوی و غا شیدا و بی کف و کزی  
هراوشا سرون من پریشانو ملولو عاجزی  
واله داش بی دماشی تو نم و اعشاری  
سینه اشک دل کباب بندی جرمم داغزی

تا وهایی ای وطن هر شینو گرمیانت اکم  
ای وطن آگیا به واروژی ایستی تو هلات  
دیده در زبیر طلسمی دومتالی توله  
بوچانای توله حلقه وادی طالع مسروده هلات  
دوله کالی توله خوشی توبه کونوله ولان

یوبه روژ وشه و دشتای توفیق لاوانت اکم  
زوله هر کس آرزوی بریزو تری تو کت  
با دسی بردانو دمن اینو دودی تو کتا  
تینه کوشینو اینو لکبت له سر تولابا

دولتو کبابو سیری بو دستکاری توه دا  
هن که «زاریم» گیان شیرین به قریبات اکم  
...  
اشاره فوق را آتای ع . ا . از منظر اوسان داشته‌اند

### بندان بار بر صیغ

جناب آتای محبت وزیر - و  
نوشته وزارت جنگ - در نوشت ستاد  
ارتش - در نوشت روزنامه گورستان  
در بابیات شایع و ادبیاتی برش  
عالی میرساند : فدوی محمدعلی ساداتی  
فرزنده مرحوم محمدعلی ساداتی بنام  
دشت مازجره شکسته و دوبری توناری  
شدن از دست ماموری و فرمانه هان  
و قشایر حسب اوامر و تأیید سران  
جهایی و فرماندهی لشکر کردستان  
در اواخر تاریخ به دعای که بر جای  
شک سوخته و بریان مشاهده شد  
مرحمت ، با اینکه تمام دارائی‌الاملاک  
سیار ، چرند برش فرماندهان وقت  
رسایده تنبیه نگرفته ، با این وضع  
چون حتی گدای در وطن را مدغم بر  
بهرترین زندگی خارجه داشته به انواع  
سختی و غنا غرابی سکوت - فرمانده  
لشکر دستور خلع سلاح فرمودند بسا  
کمال میل در حدود می‌نماید که دواتم

تقدم بدمم برا تلمه مستح - تومار  
امر فرموده اطاعت ، دوساعت به‌از  
اطلاع از فوت بدمم مستندج اخبار  
فرموده بر خلاف تمام رسوم دیباچه  
اینکه تنبیه بکنامم اورا با هزار دست  
برق - سرما مستح شرفیاب بت‌دریما  
بدون دستور نگهباری و کوچ‌کنین  
فرمایشی نمودند  
چون نشانی از این طور دیدم جهت  
تصفیه ذهن منظم‌الطامه در حدود سرفراز  
تومان املاک واقعه در میروان و رامش  
برایک نمود اجاره و بیروان رامش  
بمسن ورود تمام نوروتق و مسازک  
اجاره و مالکیت خود را بر ما یاد کرد  
و در صدد ابراهیم و پس از مدعا برهنه  
تضرع بی تنبیه و بر خلاف تمام قانون  
دلیا کنیا فرمودند حق تصرف تبارد  
بصرف تفتکات محلی و افسر اعزالت  
و چهارهزار تومان گرفته نشی آشکار  
پیشه‌رومخ

### باید از اول بشود دست

#### از حق حیات

پایه ازمنه ۳ دولت را که سر کرده شی کلید چندان و اسباب و اثاثیه زیاده او را در دولت و استاد سبیل و بر خانه های بیست و هشتی و حتی دفتر بی هشتاد خدمت سربازی و هر یک ششاسه ماه را به وقت از نظر گذراند:

یازدهمین اکون نیز من و به خود آهنا نماندند در جستجوی چه گذشته ای هست.

سر اجام دو وره کفایت نظر آهنا و چلب کرد که در اولی صورت اسامی انشعاب منتهای از کور و تاج و کعبه بود که در همین سال ۲۳ تبت اسم گذاری یک فرزند آهنا را به نام دعوت کردیم:

دومی صورتی بود از اسم چند سر کهنه اداری و جمع آوری میانی جهت گردن روز جمعه پاره سال ۱۳۲۵ بیعت آهنا بشیرانی وقت و در آنجا مثل صورت مجلس تنظیمی مانورین کوش مقرر انشاء کردند.

وقتی گردید که در منزل من بر کسی که در مظلومیت بقصد یافتند:

ولی با این حال من ۵ روز بسا چندین نفر دیگر از اهالی کوهستان شد منزل آهنا را نیز کوش کرد و در زندان ماعتیم گویا بازداشت های دیگر، مانده من ۳یم بود.

خوشبختانه در صورتی که این جاسوس ۸ نفر دیگر از اهالی سق بازداشت بودیم سر کفایت منتهای زاریش فرنگ سطر به سترج رتبه نود و هشتی شهربانی معلوم که دلیل بر شتوت او اندام زبیرا کاهن را که انجم میاد طبق دستور کوش سر کفایت بود نورا صورت مجلسی را که دلیل بیگناهی ما بود باضماف اظهار نظر خود برای آشنای سران منوچهری کل کل حکومت نظامی ارسال کرد مشرف الیه ایشانند گزارش فرستادیم برای ما معسرین داد و اینکه به دو منبع این به کوش فرماده لشکر گردستان سر کفایت بود دو سفر بودند و شاید بخوبی از زلفی و تندی سر کفایت منتهای و مسله جوی و کلاه ساری (ساری) آگاهی اطلاع داشتند چرا برای رفع این ظلم و تعدی ادرامی نگردند امید است ایشان فروری اطلاع این نوشته را با دقت بخوانند.

جولات با مشرف از اخبار جرم فرماده و نلروای عالی است که به نظر فرماده یادگان و با نظر منبراهیم و منجبت بنام ساری بدو کثرت نمودن کراس ایران در دو مرتبه دروایی بافتی ایران در شهربانی اعزاز منبت و وزارت دولت سر کوی بدست حال و سه کارائی مثل میرومان این نوشته ظلم آزار کور و کوش قهرمانی عمل پورده است.

دو خانه بنام آزادی و همدان بنام آماده منبت و شرف با یک مدافعت و جوی بیست و نفره محاکمه و باز و چه این منبت و اسامی و تفتیش و بازدمی منزل و مرای خود پیچ و زباز

### بداد ما برسد

بته ازمنه ۵ وطنی عوض این کورسیدی که فرماید آدم را بازداشت و شلاق زند - چندان بار بوسله همان تکنیکیان کوش که کوش را هنر و پول پیدان کن و چوجه جمع کن و کاش این عمل ما بمرده و ندهانم را جریه بوزل و زور بگورم گرتند با این به محامیر به سات بند و احضار و تهدید و مدت بیست و دو کالی ساتان جرأت نداشت از دست زردان تحریک شده بیرون آیم و حتی هشت نفر فلک جری برای ملاک فرستاد هرصاعت به جوی در معد ازین بر آید و دند امیدمان جا آید

چه اسافل و چه نماند بود بته مدت دو ماه در دست جرم کورسیدی و گناهی داشتند به پای خود آمده بود مقابل قانون گردن از روی بار بکن و از زمانه ارکان کثرت و رسالتی که از سال ما اطلاع دارند در این مناطق سر حدی چه بدینجا با سر ما دریا و نورو آخرا لا ابر هم بوسله گزارش های پانده بالا مارا اشرار محسوب و کوش تفرش نشتک های دولت دستور کوش زرد و خورد مارا میخوانند که بر پادمانی رسند در پایت شسته مانورین و پاجان ما میانه از هر چه داد میزیم بداد ما لیرتند هر وقت گناهی ما باشد اشرار اشرار با توب و طیاره و تانک چنان ما میمانند.

آخر اسافل بدیده خردو طایفم در روز ۲۰ الی ۲۰ منصرف ششم اگر کلا اطمینان از جان ما نماند داشته باشم چگونگی مزود اشرار خود و یادور بالای کورسیدی تمام بشر هر چه در حق من باشد اینند منی دارد کدور غناه نشست و اذیت کردن بهتر از گرما و سرما و کورسیدی و بدیدی کوره هاست . ملک ما و میرند، تهدید برک می کنند زجر و زحمت میبندند انواع نجان به سرما دو میاورند اگر از زور برکنان فریاد بزم کوش ندهاد و بیشتر مانورین و اجری میبندند درد دل زیاد است جرأت گفتن نداریم . باید به وسیدی و اخلاق حق آواره از دست ظلم و ستم - جان شار محمد کاس ساتانی

### چهارمین سال دایر ان راه

هفته گذشته روزنامه بارز (ایران ها) وارد چهارمین سال انتشار خود کردید . روزنامه ایران هادرمت انتشار بیوسته در صوف مقدمه برای آزادیخواه فراز داشته و با مبارزاتی دایره افراطی و مطبوعاتی خود را بنحو شایسته ای ادامه داده است .

نویسنگان آن با وجود تصادف با مواج روشنگرانی که همیشه در راه اصلاح طلبان فراز دارد هیچگاه جماعت و پشت کار را از دست ندهاد و با جدیت و کوشش قابل تندی مبارزه خود را ادامه دادند علاوه بر اطوار خود را سرشناسی برانورد موفقیت آید این روزنامه پورسید و در آن چهارمین سال انتشار از مناسبات بنسبیت مغفلاتی که در مواج ساقی راجع کورسیدی گردستان بوسله نویسنگان آن نگارش یافته برای سر ملی برادان کرد ایران و دفاع از حقوق آنان با مامع مدعا شده اند صیبا محاسباتی نتایج آری وقت اقران شخصی کسار گذارده خورد و روزنامه ای بزوجه موضعی را بطرفانه تقاروت نایدنفاضا هم آهنگی و صمیمیت ایجاد خواهد شد

۲۰-۲۱

### آگهی

هرشاه نامداری که خواستی به کوهستان بگردی هر کس که با تو خانگی نامداری قبیله دانی منتهی قوت نموده و اورت از منصرف به یک ستر « مراله » که در دندر « مرات » میباشد . برای استند از کلیه شرک و ترمیم باستان کوهی نام معلوم و شناسنامه معور گواهی محسرووات خواستار شده لذا مراتب به باز نمائی دو روزنامه رسمی کوش و روزنامه کوهستان درج منیایه آکر کس و خواهی داد و از نشر اولین آگهی تا سه ماه پسین دادگاه مراجعه و اول آگهی صادر و وصیت نامه هم جز رسمی و سری تائیدی صادر

و پسین دادگاه بخش گردستان خواهی ۲۸-۲۹

### انتشار ستاره غرب

اولین شماره روزنامه ستاره غرب به ترتیب آقای سلیمان پولس منتهی گذشته انتشار یافت . سکه چاپریت و به وندرجات بیشتر دیده اند از هر حیث شایان تحسین و اعتبار است . آقای پولس منتهای صاحب انتشار « ستاره غرب » با علاقه کمالی منتهی و زامانین صفات فرشتگان ایران کوش داشته و اکنون که با انتشار روزنامه « ستاره غرب » موفق شده اند مانورین بهتر به توانند در راه جماعت ملی خود توفیق بیابند

کلاگان روزنامه کوهستان موفقیت ایشان بسیار همکاران ایشان از حمید نائب مستاد میمانند .

### تغییر نام فاعیل

چون نام خاوادگی اینک فاعیل صدیقی از کلیه صدیقی به « صدیق وزیر » تغییر یافته لذا مراتب جهت استحضار آقایان محترم و دوستان گرامی درج میشود منتظر است من به رعایت فرمائید

پای صدیق وزیر ش ۲۵

### آگهی محسرووات

آقای محمد عالی ندی در دوشنبه به دادگاه بخش گردستان منتهی که با تو قلمو شیر ماروش نامداری منتهی قوت نموده و اورت او منصرف بشماره « فاعیل ندی » میباشد . منیایه بستند کراس نامه معلوم و شناسنامه برای استند از کلیه شرک و ترمیم معور گواهی محسرووات خواستار شده لذا مراتب به باز نمائی دو روزنامه رسمی کوش و روزنامه کوهستان درج منیایه آکر کس و خواهی داد و با وصیت نامه رسمی پارسی از دست از نشر اولین آگهی تا سه ماه پسین دادگاه مراجعه و اول آگهی صادر میشود

و پسین دادگاه بخش گردستان خواهی ش ۲۶-۲۷

### تزلزل رخ گوشت

شهرداری تهران رخ انواع گوشت را از تاریخ ۲۰ خرداد ماه تا آخر شهریور ماه ۲۵ شرح زیر تعیین و با اطلاع عموم میسراند

۱ - گوشت گوسفند و بوز (مطابق فیکس - بز میش) ۲۳ کیلو ۲۳ ریال

۲ - گوشت گاو کوهستان معلوم ۱ کیلو ۱۵ ریال

تبره ۱ - گوشت گوسفند و بوز معلوم طبق ماده ۲۸ آیین دستور گوشت فروشی معصوم تبره ۱۳۲۰ باید در هر کیلو گرم ۲۵۰ ریال یا یک پیکه (۱۰۰ گرم) به یک جداگانه و صد اکثر دو پیکه (۲۰۰) گرم دو پیکه امکان استخوان داشته باشد .

تبره ۲ - گوشت مرغ که باید درشت و با استخوان از گوشت جدا شده خریداری نباید جداگانه مورث است برای هر کیلو گوشت دو پیکه و نیم (۲۵۰) استخوان جداگانه وزن نموده و بشیرداری بدف - متعلقین از ترشای میته بالا طبق مراتب درات کبیر گزاره دروشان منجبت خواهد شد

کلیه شهرداری تهران ش ۳

### گفتگویی دو افسر دموکرات

گفته روز چهارم خرداد سه نفر افسر بااقلیم رسمی حکومت مهاباد و از فرماندهان مدعی برای صحت و سقم این پیش با کار و نام. نشانین باری که پلاک حکومت ملی کردستان نمره ۲۴ را داشت و آنجا ایستاده دیدم که بیچم سه رنگی همدر جلو آن نصب و پارچه سبز آن را نسیم ملایم کوهستان های باستانی باغزل را درمی آورد.

ظهور همان روز افسران دموکرات در حالی که سه نفر افسر ملی پس سرزاری از پیشانی سران بود پیمان بازار آمدند بهر کسی که میسریدند با نهایت ملایمت و مهربانی سلام میدادند

چیزی که نیاز بود توجه و تصحیح بود و نامرئسریان و افسران ارتش افسران دموکرات بود در همه جا افسران و گروه ها با افسران و سپهسالاران و دو گروه افسران می ملازمت می نمود.

اما کسی من نبود و بیست و یک نفر افسر پیشکش بزرگ دردمورد به بعضی از افسران هلاک شد. اینک شرحی به این امر از نظرم با برسیه می شود.

دولت مرکزی دستور داده بود که دو مورد میوه پیمان نام دموکرات، نهایت احترام از طرف مقامات ارتش مسوون خود این دستور را عمل خوب اجرا نمود و تقاضا بهترین ارتشان و خاطراتی که افسران دموکرات مهاباد با خود همراه بردمورد کردستان شاملی زبا دردمورد خوانده اشترام کردند. بی غرضی است که مقامات نظامی دموکرات بیست و یک نفر و قاتل شد.

ولی درین مورد بخصوص بهر کسی من خنری من محترم دولت از افسران آن خبری نمود بود و سبب و نامی سه روزی نامانی کنوردست تحریک برآمده است و باز هم بار دیگر بهر شوهر حیات نازاری خود را در جوار چشم لایه تان مهاباد نمودار ساخته و بازهم برای آن که برده وحال بزرگی بر وجه سلامت آمیز و کردانی و ایالت و دین دولت شکندست و سبب علانانانده که کما در

دوچه فرستادگان برادران کرده مهابادی بنیادین بوده است.

دانش رجاله او با شش تحت دستور و او امر عیدالغد صابری مامور، دستور مشورتش - بداهه خوش - موارد و کورچه و گیاهان و پارچه دو تنبیل افسران دموکرات و فدایان جنگ بود دموکرات کسی خبری نمونده بود و تا کالیس جنسی بهر بیرونه نورا نام او در لیست غلاتین ثبت می شد و صابری خادم اگراش می کرد و ستاد او با ستاد این گراوش بهدایب گراوش کالیس سرود کین خود این شخص هم مرتبا در تنبیل این افسران بوده رجاله و او باقی که عقلی مخصوص او هستند در مهاباد هر چه راست با دروغ کسی توان ایستادگان مردم را در کور کیده کرد میباید در آن فریاد می نماندند معلوم هم نیست این بول بالا از دینداری داد می خورد این شخص در مدت کوتاهی که

### بر دای از جنابان سفر

بچه ازمنه ۱

این بزم نامی سفر است عید نادر صابری دو کوه خوستاری کرده چون شکست خیل کتف و تیوج آردا و دفتر واحد بنده کی هنرری شوهری دقت نماید بپوشه اینکه گذشت در قیله ازودج او افته بزم این بیچاره در دام پرونده اش گرفتار شده میگویند اورتانم اینکه جاسوس دگرگنا هت استدی در سفر بازداشت و بنده به ستنج فرستاده اند.

اکنون آن بیچاره در کج زبانه نه میکنه و میبازد و عیدالغد در وقت گذشت می سوزد و پیونده میبازد خوانندگان عزیز بیچاره بی مردیست اینست چه میکنید تسلا زود آرا عشا را بهیث مطلب را تعین نماید. بیچاره هائوری بنا هم این عنصر اکثریت حذر باشی زرا خیل بیچاره را ایت شخص حساب ساز موشو اینکه و ما خودمان بیچاره ها را ازود و به هیچ کس نیندیم در بهایم شما ز کردستان خطرات بی دانه داشته ایست امروز مردم سفر می گویند که بیچاره هائوری نسبت به سایرین سفر بد گمان کرده

افاضان آن بزم و سبب سار از طریق افرایان و این را تیجه جرمه ها و اخطاریان میا و خاطر نایک که محبوبیت شاد در میان مردم بزرگان است میداند و در این امر هم صابری کتف را موشری نموده.

مردم سفر از شما آناهان سرلشکر روز آردا و سرتیپ میوه این جنابان نام مشروخ نماند فقط میباید که کما کارها بهتر رسیدگی کنید اگر شش وله هائی را که صابری برای مردم ساخته رسیدگی نماید و بوسالی هم در مدهدکنف حقایق بر آید آفوت ذهان خواهد بود که در برابر ترین مردم ایران ساکنین سفر نباشند.

صابری وقت ما را خیلی گرفت بر کردیم بیخوش ننگرانی که در اول این مقاله به آن اشاره شد.

تنگرانی دیگر باضای آناهان لیش اله یکی است - دولت خواه - عیداله اوخیروانی - سهام کیسوری - احمد ایزدی - عید اقبال - حسین بیضا - بیگی - طری سلیم - احمد کیسوری - حسین کیسوری - سلطان - زمرانی - بابا میری - عزیز با اگری - حسن بابا میری - سعید بابامیری - عزیز نواح کتف در همه دو این تنگناریا کتف کرده اند که هلاک آ با از طرف کرد و خرابه و بارزادیان تصرف نمودند و عیداله خان ظلم و جور نموده واضعاً کتف کرده هفت توجه دولت را خوستارند هفتاد.

و این دو تنگناریا مرانی چنانچه شده که هلاک آ داده است و اینطور نظر می آید که غواصه است با اشترام آناحسامان آگردا هائی را تحریک نموده و زمینه ای برای وجود افتشش طلبیده.

مطالب دیگری در زمینه آخوردون منتقله سفر بنا سعید وانی با لقب آردابابان و کردستان هائی لایند که مطالب در زاید میباید زرا بیچاره م طلب کردی مورد احتیاج اخطار کتف شده که چای تیاشف و همان حد ینی که در شخص نصت دوست بر بی سل مالل مبه مشکلی وجود است و بر وجود مردمان و مامورین مسئول بر ستانها نیز بودند با بکار - ن آن حایان مناسرت کتف را بی شک ساخته و بهتر منوجه فوند که اگر کرد مردمان شریف و وطن پرستی بوده و بیچیران گذشته هادریان آماش و واضحی آنان گوشش نیانند.

به انتظار آینه د درخشانی برای مردم سفر

**افتضاله لشکر ۴ کردها**

ازوزارت جنگ خبر می دهه که از تاریخ هشت خرداد ۱۳۵۸، سرکنده پیاده عیداله بهرانی افسر ستنش دست ارتش و ریوسو بلاوس واحد های لشکر ۴ کردها بست مدلول لشکر ۴ کردها منقح می گردد.

**بمقتضی محترم**

با وجود اینکه چند ماه است اشترام سال دوم روز کردها در کوهستان میگردند هنوز همه ای از مشرتگی و به اشترام سال گذشته را اوسال فرموده اند.

انتظار داریم اوسال وجه اشترام را بیش از این بشیرق نیانمانند.

### چاپخانه شرکت مطبوعات

### سفر خرداد ۱۳۴۵

### بهار وطنی هزین

شماره

ای وطن ای خاک می گسردی نامدار ای وطن ای لانه خندان ای وطن ای وطن ای لعل شیدا ای وطن ای کلال لعلی و زبری ای وطن ای گشتانی خرم پایم هم خاک حیثیته سپو خوش بود زینت پیشانی من و خسر منی تا کم گورمه قلبی روک حار من خیال نامم کردی یوسیری گل چونکه گوربگه که فیله خاردا لعلی گل برهائی اورده ای گسردی چشمه آردا و سوزده داوا ایبری گمانی گل من سزوی و سا فیا زوسری بلبل که بر عشق کنان که نقش آوری بر کردستانه دا ای وطن هر کوفه هر قطه ای که در طرف نامم بریند محنت کتف با باوانی دلجم تحریف یکدم دایمیشتم حای گشتت یکدم بهی حرمی گره گرتن ملبود

# کوهستان

۱۳ مرداد

اداره کل گمرک توجیه

### فرماند

اداره گمرک متخلف لیست باجان دادله و اجناسیکه از تهران و همدان غربه شده و بنظر و نظارت نامه حمل میشود اشکال تراش و بهانه گیری میکند و مدعی است که باید برای اجناس متخلف و پراچ پارچه وطنی سایر اجناس معوله ستر باید پنه میوز (صادره شود) و اجناس پیشکود چاندنبارنی آذربایجان نتخون هم مسدود بوده و جاده نجاتنی است که بنظر اولویتا و بهانه گیری های گمرک متخلف بر روی اهالی متزو و سایر نقاط تسابه مسدود میشود و اداره گمرک ترم هم بحسن و رو دجنس نقاضای ورقه پنه می نماید و مقررنوید که اجناس باید باخسور و ایست گمرک باز شود

از اداره کل گمرک نترشا دارد که به گمرک متخلف و ستر دستور و تذکر داده شود که از این مقررات سی سابه و مدت از مدت برداشته و بگذرند متخلف پس از یکماه بگویی سرگردانی بکسود متخلف شوند

### بازرسیان ستر عتیق تهران

گوهستان - دستفهمه ستر - ایجاب میباشد که تسلیاتی از محربت برای مردم انجام فرودونه اداره کل گمرک اثر و به شکایت وارو فرود جلب و انتظار داریم دستور آید بر لزوم اولویت دیگر بگیری گویسروای آگرا و با لغوه خود بگویی.

### علاقهاندان توجیه فرماند

آقای شمسالدین مرفوع به شمس السادات که از طایفه کوشه گیری و سادات محترم کردستان میباشد اخیرا منظومه ای گریه بنام شمس القایبه که در اسول فتای امام اشری است سروده و چاپ کرده اند. انتظار داریم آقایان علاقهاندان از شرود و معالنه آن دست فرمایند. جایگذازه فروش متخلف میباشد.

بنام احسان و راعه باشانود مرد آقا دست دسته واردان از پیش نیبگرفته اگر برای جلوگیری از سرایت اذمانات شما نبود حکومت نظامی در مناطق کردستان با تحریک برین وضعی احساسات مردم واد بگیری.

بنام برین برای برقراری آسایش در این نواحی شایانها جدا کوشش کنید ما امروز با سرود و زایدالوفد این موئلیت از برادران کرد خود مقیم کردستان ضالی تبریک کرده ایمدراین آینه توجیه خاص رئیس محترم دولت در آینه توجیه آزادیکی ساکنان سایر نقاط وطن هم از نظیر این امتیازات برخوردار باشند که با جنگلی دست بدست هم دارد. این بیاضی قریب و بریشان روزگاری در هم شکسته پایه های قاجار سادات و سرفرازی از استواز سازی

آرمان یکساله داخه - ۲۰ دال  
تکفروضی داخه - ۱ دال  
جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تلفن ۱۶۶۲

### اوضاع منقر کلیاتی

#### قابل توجه تشکیلات زاندارمیری کل کشور

از جنای دی امنت داخلی متزرو کلیاتی دچار ترنزل و اختلال شده و معضومیان تلیل فقرات زاندارمیری بدتر از گرگان دوره که بجان کوفتهان بی شباهیتند و روز مشغولانفت و نلا هستند و جان و مال ضاوردن. واقعی را در عرض غیر فرار دمانه خود افزوده اند که گردنه همه مانع گامزوری سترها در روزوون سکین خود قرار داده محمولات کسبون کوهزبان همدانرا فرات کرده و با ایلان رشت و اضراب متخلف اعلانی را اثر کرده و تنها روزنه ایمنی که دارنده وسود تیسار سر لشکر روز آرامت که بسبت فرادهمی قوای غرب ضبوب و اند رام شده اند. انتظار داریم سربازان شرقیه و شجاع و بیبوسه اقدام سربز و جانی در اعانه آسایش و رفع تخوش میوم برقرمانه به ییوست ریاست محترم تشکیلات زاندارمیری هم دستورات موثر خواهانه فرود.

#### ۴ بازرسیان و جندان

راجح سیرت گورسته کردستان ها که کسبون زاندارمیری انجام نام تعیین در ایشوخ و وسایل زجست و زین خاص کتیری بی است که کلیاتی ها را فراهم آورده و نسبت با آمانیان ستنه ایله امینور میدانه و در حکایت و مرتکب شده و بدو اهر و حرکات آنها بیفانامت صالحه از حد گذشت و در همین نامه گوهستان هم درج شد اخیرا سرکار رهنه آگرا که زمامت منحصرا صبح علی و سربازان است و جندان است پس بازرسی وارو سنر شده و اوضاع لغرض ایت شهرستان گننام را بدنت ملاحظه اسرودند و مننامه غیاب رو اسخار شدت حرکت مننامه البته اوضاع اینبار گاموکیفا به عرض مقام بصحبت ملامت می رساند.

#### ۴ مقام مامور غاه و نان

آقای صاحبزاده سیرت و بنظر شهرستان کارمنشاه بالاخره صلاح متخلف سوسول اهالی را اجابت کند و آذای علیه بی فرهنگ رئیس غله و نانینتر را که بسا اهالی کمال میر و بودت و دولت و عموما از او انی و سیرت دادند و آذای خاه خواستند آذای بیهی برنده فرساده انو مشغول کارم شده اند و باومویرام این شرح میدهیم و در بعضی موارد و در گرفته است بدین راعه شون تا بد نتیجه چنانچه البته ابلاغ خوانده عزیز توجیه رسیده.

#### ۴ پست های حساس و مامورین

بومی جور درلنی آید حب و پیش و دست و دهنی در هم جا هست و معسوما در ستر کلباتی مرش دمنه بنی و جانی بود و در خارج امت و تسبب و احساسات اخوت و

قرابت هم چیزی نیست که بتوان کسی را فائد آنصور کرد و خاصه در مناطق هشایره هم فریدی که کتر باشد تسبب باشد او را تکین و باومویرام و سیرت در این گوه نقاط پستی مومو متخلف ما مویر و جالی و برمی و انضام فرعی و جوع گردیده که آفر آلت اجراه فرعی شخصی فرار دمنه متخلفه در ستر فرات این قصه ای و شرر و اسرودان نکرده و حساس ترین پستیای دوتی که مایلت برودند آمده باشد ایله همدان و کوه توجیه شده و برادر و اینان آذای ناط اولی هم مست لایحه کی شرکت است و ایران و انگلیس و داو له آذای اخوان چنه ساله است در لهات موسوی و استیاد کولج حکمرانی و ویرج و استیاد شمس الدین امانی و کتک تشکیلاتی از برادر او در دست فرات نطق شده و سواپ و بریده های آذای متخلف کمانه کتک متونی همدان ش را تشکیل داده هم و سوردات لایه لایه آمد و سه هفته است کسبون کولج شده کسبون آدم در ستر متخلف کولج کرده اند آذای اقوان در دست ایالت برادر آه افرا شمس و با و نظیبه ادارتی غاب معاونت سروده کسبوتی متشکله غاب با بحیثی خارج از موضوع برادر آه می خود بسپایه گت پست های حساس و باومویرام می چوردن و کسبوتی بوکیت از بیعق کجناب آذای اسکندریه و اسلات محترم دارایی ایساتان و برادر شاهه استم و داده اند و فرود برادر آه ستر کلیاتی برمنه چنانچه ضرورت میباشد و حقایق بیشتر و با ممانت کسبوتی برض نامه خواهم رساید

**۵ مامور نظام وظیفه وارد شد**  
کسبون آذای استیاد استیاد که از بیب زادگان ستره آقا اخیرا برای مدتی ۱۹۵ الی ۳۰۶ وارد ستر شده و مقررات آذای علی ماموران و منتشر کرده اند متخلفان کولج شده اند

**۶ رای اجراء دستور شماره ۲۴۴۳۸۸۳۳۸۸۳۳۸۸۳۳**

**وزارت کشور**  
از طرف وزارت کشور برای تعیین نظر در قانون تسلیات کوشه و روزنه بندی استانها و شهرستانها و بخش ها دستور توفی بطور مقتضانه صادر رساید

مقتضی از سال شده و بنظر در اجرائی دستور کسبوتی ایستاری و دستفهمی تشکیلات بانگنار هموما موئلیت کلیاتی و ستر متخلف کولج مامورین کلیاتی و ستر متخلف کولج مامورین از حالت درجه سرتیبه و خارج شده عاقلی را هم در قسمت بیلاوار خارج شده است و آذای بانجان هم ستر متخلف و غیر از ستر که مرکز شهرستان است و غیر از مرکز می خواهد بود و بخش و بخش مرکزی خواهد بود و قریبا با مدارک و لایحه مقتضی نظر به دستور استنادی از استان خواهد فرود آمد و ستر رسمی روزنامه گوهستان در سنر